

چرا پروژه اوکراینی کردن ایران شکست خورد؟

سال ۱۹۹۱ حسن الترابی از رهبران اخوان المسلمین در سودان کنگره‌ای را در خارطوم پایتخت آن کشور برگزار می‌کند، در آن نشست سیاسی اخوانی‌های سودان از برخی رهبران گروه‌های سیاسی در منطقه دعوت کرده و حتی اسامه بن‌لادن در یکی از بخش‌های آن به بیان نظرات خود درباره آینده آفریقا می‌پردازد.

به گزارش سایت خبری پرسون، سودانی‌ها آن روزها گمان می‌کردند که می‌توانند پرچمدار مقابله با غرب باشند! دو سال بعد از برگزاری آن کنگره امریکایی‌ها سودان را تحریم شدید کرده و پنج سال پس از برگزاری مجدد آن همایش سیاسی، جنگنده‌های ارتش امریکا بدون هیچ دلیلی کارخانه داروسازی الشفا را بمباران می‌کند. سخنگوی کاخ سفید دلیل این عملیات را تولید گاز «وی ایکس» اعلام کرد.

پس از این ماجرا، به یکباره ورق برگشته و سودانی‌ها که تا چند ماه قبل خود را پرچمدار مقابله با امریکا می‌دانستند، تغییر موضع اساسی می‌دهند. حسن الترابی در مصاحبه‌ای اعلام می‌کند که مقاومت امری همیشگی نیست و می‌توان گاهی سازش کرد! روزنامه واشنگتن‌پست پس از انتشار سخنان لیدر اخوانی‌ها در یادداشتی تحلیلی و مهم نوشت: تنها راه مقابله با جهادی‌ها «فشار» است، باید آن‌ها را زیر سنگ گذاشته و له کرد، جهان نباید سخنان ترابی را باور کند! تجربه سودانی‌ها بسیار قابل‌توجه و عجیب است.

درحالی‌که امریکایی‌ها سودان را در لیست سیاه قرار داده و این کشور را در محور ضد صهیونیستی طبقه‌بندی کرده بودند، مصطفی اسماعیل عثمان، وزیر امور خارجه وقت سودان، در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل در سال ۱۹۹۹ به سراغ بیل کلینتون، رئیس‌جمهور امریکا می‌رود، در کنار میز او تا کمر خم می‌شود و از او خواهش می‌کند به حل مشکلات سودان کمک کند.

سودانی‌ها فکر می‌کردند که اگر دست از مقاومت بردارند و با امریکایی‌ها سازش کنند، هم زیرساخت‌های آن کشور از گزند بمب‌های امریکایی در امان می‌ماند و هم از شر تحریم‌های سخت و سخت‌تر خلاص می‌شوند. پس از دیدار وزیر سودانی با رئیس‌جمهور امریکا موضع رسانه‌های غربی به ناگهان عوض شد! رسانه‌های دست راستی که تا همین چند ماه قبل گفتگو با سودانی‌ها را مباحثات با خط تروریسم می‌خواندند، پس از دیدار وزیر سودانی با رئیس‌جمهور امریکا اقدام او را عملی قهرمانانه خواندند. روزنامه نیویورک‌تایمز در یادداشتی سودان را همکار آفریقایی دولت کلینتون خواند! بعدها مشخص شد که امریکا از سودانی‌ها خواسته است که برای نشان دادن «حسن نیت» با واشنگتن همکاری ضد تروریستی داشته باشد.

پس از این ماجرا «تعاملات امنیتی» میان سودان و امریکا در مبارزه با تروریسم آغاز شد. روزنامه گاردین بعدها فاش کرد که سودان هیچ سودی از این توافق نبرده است. جالب آنکه همکاری‌های امنیتی میان خارطوم و واشنگتن حتی در دوران حکومت بوش پسر نیز ادامه یافت، اما ثمره همکاری میان دو کشور به جای اروپایی کردن خارطوم و بهره بردن از مواهب همکاری با غرب، ضربه سنگینی به حیثیت سیاسی سودان زد!

سال ۲۰۰۵ و با مشورت امریکا، عمرالبشیر رئیس‌جمهور وقت سودان با جان گارانگ، رهبر گروه تجزیه‌طلب جنبش آزادی‌بخش سودان جنوبی مصالحه کرده و یک قرارداد ننگین با نام «نیفاشا» امضا شد. نتیجه امضای توافقنامه نیفاشا برگزاری «فراندوم جنوب» در سال ۲۰۰۹ بود که در سال ۲۰۱۱ منجر به جدایی سودان جنوبی از خانه مادری شد. بعدها جدا شدن جنوب از سودان به‌عنوان مهم‌ترین میوه نزدیک شدن سودان به امریکا و اروپا یاد شد.

پس از جدایی سودان جنوبی، دولت مرکزی از ۷۵ درصد درآمد ناشی از فروش نفت و دسترسی به آب رودخانه نیل محروم شد. روزنامه مصری الیوم چاپ قاهره در شرح این ماجرا نوشت: نتیجه تلاش‌ها برای عادی‌سازی روابط با امریکا منجر به تجزیه سودان و افزایش فشارهای اقتصادی و معیشتی علیه دولت و مردم در هر دو قسمت سودان شمالی و جنوبی شد. پس از جدا شدن جنوب، آتش تجزیه به شرق سودان نیز امتداد یافته و «بحران دارفور» آغاز شد. دولت خارطوم با خیال خام اتکا به همکاری‌های امنیتی با امریکا به سرکوب شدید شورش در دارفور اقدام کرد.

نتیجه خاموش کردن شورش‌ها در دارفور آن بود که دیوان کیفری بین‌المللی در سال ۲۰۰۹ عمرالبشیر، رئیس‌جمهوری سودان را به اتهام ارتکاب جنایات جنگی تحت پیگرد قانونی قرار داد. پس از آن امریکایی‌ها در اقدامی که برای دولت سودان باورپذیر نبود، عمرالبشیر را در لیست سیاه قرار داده و سودان با تحریم‌های شدید روبه‌رو شد. حادثه عجیبی بود! دولتی که روزگاری می‌خواست پرچم مقابله با امریکا را در دست بگیرد، در نتیجه تحلیل‌های غلط و عجولانه در «اعتماد بی‌جا به غرب» نه تنها بخش مهمی از خاکش را از دست داده بود، بلکه با تشدید تحریم و فشار شدید بین‌المللی روبه‌رو گردیده بود.

در این داستان تراژیک تیر آخر را عمرالبشیر به خود شلیک و سال ۲۰۱۶ در حمایت از رژیم سعودی روابط خود را با جمهوری اسلامی ایران قطع کرد. درحالی‌که آن روزها تهران به‌تنهایی بار مقابله با تروریسم را در منطقه به دوش می‌کشید عمرالبشیر بار دیگر تصمیم مهلکی گرفته و با اعتماد به ریاض میخی محکم بر تابوتش زد.

دولت سودان در آن روزها سربازان پیاده را در جنگ با یمن برای آل‌سعود تأمین می‌کرد، اما این اعتماد به سعودی نیز دوام زیادی نداشت! آوریل ۲۰۱۹ البشیر با اشاره عربستان و امارات متحده عربی از قدرت خلع شد و اینک در زندان در انتظار محاکمه و تحویل احتمالی به دیوان کیفری بین‌المللی

سرنوشت سودان براى هميشه در تاريخ ثبت شده است، اما چه تعداد از رهبران جهان از آن پند گرفته اند؟ پاسخ به اين سؤال در شطرنج سياست خيلى سخت نيست. عاقبت حسنى مبارک، محمد مرسى و بن على در آفريقا، آواره شدن اشرف غنى در دبی و افتادن زلنسكى در ميان شعله هاى آتش در کيف نشان مى دهد که اعتماد بيش از حد به غرب و سازش با امريکا هزينه هاى بس سنگين دارد.

اين روزها رئيس جمهور اوکراين، چون يک عروسک خيمه شب بازى با چراغ سبز از تل آويو گمان مى کرد که اگر چتر ناتو را تا مرز روسيه باز کند، به زودى دلارهاى امريکايى به اين کشور سرازير مى شود و اوکراين علاوه بر عضويت در ناتو و اتحاديه اروپا کشورى پيشرفته در تراز گروه ۲۰ خواهد شد! اما آثار باقى مانده از موشک هاى بالستىک روسى در ميدان آزادى شهر خارکيف نشان داد که زلنسكى از غربى ها رودست خورده و آن ها فقط به اندازه يک «دعا» حاضرند او را در اين جنگ همراهى کنند. حتى کمک هاى ويژه اروپا، چون ارسال جنگنده هاى لهستانى سرابى بيش نبوده و جز چند کلاشينکف و کوکتل مولوتف چيزى براى زلنسكى براى دفاع از خود در آخرين سنگر در ميدان استقلال (ميدان اصلى شهر کيف) باقى نمانده است.

شنيده شده است که زلنسكى در زير زمين امنيتى خود گفته است که حتى رژيم صهيونيستى نيز او را نااميد کرده است! درحالى که ستون هاى زرهى ارتش سرخ در ۳۰ كيلومتري شهر کيف منتظر دستور پوتين براى آخرين عمليات است، بايدن به روزهاى پس از زلنسكى فکر مى کند. سرنوشت عمرالبشير، اشرف غنى و زلنسكى را بايد قاب کرده و سال ها در دانشکده هاى مرتبط با روابط خارجى و امنيت ملى مورد بحث قرار داد.

در ايران نيز اين قمار با خوش خيالى برخى در ورود دلارهاى امريکايى و خريد بونگ با نام «برجام هاى ۲ و ۳» و نيز «برجام موشکى» در دستور کار بود، رهبر انقلاب در برابر آن دسيسه «اوکراينى کردن ايران» به تن هاى ايستادگى کرد. ايستادگى مقاومت در برابر سازش، پروژه اوکراينيزه کردن ايران را به شکست کشاند.

منبع: روزنامه جوان